

صدور انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی

M.alavian@umz.ac.ir
L.hasannia123@gmail.com
f.pourhasan.darzi@ut.ac.ir

مرتضی علویان / استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران
لیلا حسن‌نیا / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران
فاطمه پورحسن درزی / دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران
دریافت: ۹۷/۰۱/۲۵ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۸

چکیده

انقلاب اسلامی ایران الگوی بیداری بشریت در عصر حاضر است. همچنین امام خمینی^ع معمار و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، که اندیشه سیاسی اش مبتنی بر فقه سیاسی شیعه است، معیار شناخت مبانی انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد و تاکنون در جهت‌دهی و جریان‌سازی در میان نهضت‌ها و ملت‌های مبارز جهان نقش تعیین‌کننده داشته است. در اندیشه ایشان، با توسعه حوزه مسئولیت‌های نظام اسلامی، هدف از تأسیس چنین نظامی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی تعریف می‌شود. ایشان در بعد منطقه‌ای و جهانی، صدور انقلاب، یعنی تلاش در جهت توسعه نفوذ اسلام در میان مردم دنیا را مسئولیت اصیل دولت اسلامی در ورای سرزمین‌های ملی می‌داند که از طریق اصل واجب «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم دین اسلام، با همکاری همه ارکان نظام، باید پی‌گیری شود. در اندیشه سیاسی ایشان اهداف صدور بین‌المللی انقلاب شامل ذاتی و اجتناب‌ناپذیر بودن؛ صدور الگوی ارزش‌های مطلوب، اجرای تکلیف شرعی، نفی ظلم و حمایت از مظلوم؛ تاکتیک تهاجمی؛ پی‌گیری اصل «دعوت»؛ نفی سبیل؛ حفظ دارالاسلام؛ و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اسلام است. مقاله حاضر به روش تحلیلی - توصیفی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: صدور انقلاب، اندیشه سیاسی امام خمینی^ع، فقه سیاسی شیعه، امر به معروف و نهی از منکر.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از تحولات و پدیده‌های نادر قرن بیستم است؛ انقلابی که تمام ارکان و ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران را دستخوش تغییر و تحول کرد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۹۳، مقدمه). به طور طبیعی، هر انقلابی میل به صدور دارد، بدین‌رو، انقلاب اسلامی ایران نیز همواره در تلاش بوده است تا دستاوردهای خویش را به جهانیان ابلاغ کند. پایه‌ریزان و گردانندگان این انقلاب با تکیه بر آیات فراوانی از قرآن مجید، که همواره بر پیروزی نهایی مستضعفان و عدالت‌خواهان بر ظالمان جهان تأکید می‌ورزد، می‌کوشند تا با به‌کارگیری فقه سیاسی، از جمله اصل «امر به معروف و نهی از منکر»، صدور انقلاب را در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی خویش قرار دهند (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸).

تأملات نظری فقه‌های عصر حاضر و به‌ویژه ارائه نظریه «صدور انقلاب» از سوی امام خمینی^۱ بستر مناسبی برای تعامل افکار مهیا کرد (اکبری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷-۱۷۸). ایشان این نظریه را به عنوان طرح نظریه حکومت جهانی در اسلام بیان کرد و هدف نهایی اسلام را تشکیل حکومت واحد جهانی به پرچمداری مهدی موعود (عج) می‌دانست. همین موضوع می‌تواند ما را به دلایل محکم و مستدلی در انجام این امر مهم و ضروری برساند و سیاست‌مداران انقلاب اسلامی را به این سمت سوق دهد که در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، همواره این وظیفه را بر خود هموار کرده، نظریه «صدور» را مبنای سیاست خود قرار دهند. در واقع، فقه سیاسی باید زمینه‌ساز دخالت دین در حوزه مدیریت داخلی و خارجی نظام اسلامی باشد.

«فقه» در تعریف مشهور، «استنباط احکام شرعی و فرعی از ادله تفصیلی (کتاب، سنت، اجماع و عقل)» است. فقه راهنمای عمل انسان مسلمان در فرهنگ اسلامی بوده، زندگی شخصی و اجتماعی او را فرامی‌گیرد. بدین‌سان، «افعال مکلفان» موضوع عمومی فقه اسلامی است و احکام پنج‌گانه وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحت، و نیز صحت و بطلان، مسائل این علم را تشکیل می‌دهد (فیرحی، ۱۳۹۲، ص ۲۶). از این‌رو، فقه همه حوزه‌های بشری را فرامی‌گیرد و باید در همه عرصه‌های زندگی انسان، احکامی را که وی نیاز دارد، بیان نماید.

«فقه سیاسی» مجموعه قواعد و اصول فقهی است که عهده‌دار تنظیم روابط مسلمانان با خودشان و ملل غیرمسلمان عالم براساس مبانی قسط و عدل بوده و تحقق صلاح، آزادی و عدالت را منحصراً در سایه توحید عملی می‌داند. بدین‌رو، فقه سیاسی عملاً دو بخش عمده پیدا می‌کند: «اصول و قواعد مربوط به سیاست داخلی و تنظیم روابط درون امت جامعه اسلامی»، و «اصول و قواعد مربوط به سیاست خارجی و

تنظیم روابط بین‌المللی و جهانی اسلام» (نادری، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵). به عبارت دیگر، «فقه سیاسی عبارت است از: پاسخ‌ها و مسائلی که دین اسلام نسبت به مسائل حقوق اساسی، مفاهیم سیاسی و حقوق بین‌الملل ارائه می‌دهد» (عمیدزنجانی و ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۱ و ۵۲). قید «سیاست» برای جهت‌دهی به واژه «فقه» است و تلاش دارد مجموعه استنباط‌ها از احکام الهی در حوزه اداره جامعه در داخل و خارج را تبیین نماید؛ همان‌گونه که قیود دیگری مانند «فقه بیمه» و «فقه تجارت» را نیز دربر می‌گیرد.

پژوهش‌های بسیاری در زمینه صدور انقلاب اسلامی صورت پذیرفته، اما وجه متمایز این پژوهش، بررسی صدور انقلاب در فقه سیاسی اسلام است که پایه اصلی تفکر امام خمینی^۲ به‌شمار می‌رود. سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که «فقه سیاسی شیعه (با تأکید بر فقه از منظر امام خمینی^۳) چه تأثیراتی می‌تواند بر ابعاد گوناگون صدور انقلاب اسلامی داشته باشد؟

فرضیه اصلی پژوهش این است که جمهوری اسلامی به سبب ماهیت اسلامی و فرهنگی که دارد، از طریق اصل «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم دین اسلام، صدور انقلاب را یک تکلیف شرعی، حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌داند. این اصل شرعی که می‌تواند براساس مبانی فقه سیاسی شیعه، بر تمام ارکان نظام استوار شده، بر امر صدور انقلاب تأکید ورزد.

بنابراین، در این نوشتار، تلاش بر این است که ارتباط میان فقه سیاسی شیعه، به عنوان مبنای اندیشه سیاسی امام خمینی^۴ و صدور انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از دستاوردهای آن، در جهت تحقق احکام اسلامی از طریق اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در جوامع بشری بیان شود. به عبارت دیگر، چگونگی انتقال مفاهیم اصلی انقلاب اسلامی با توجه به ظرفیت‌های ایجاد شده در آن تبیین گردد.

برای دستیابی به این مهم، ساختار ذیل به کار گرفته شد: ابتدا معنای «صدور انقلاب» و جایگاه آن در اندیشه سیاسی امام خمینی^۵ تبیین شده و ارتباط آن با فقه سیاسی بررسی گردیده است. سپس مسئله «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یکی از ارکان فقه سیاسی اسلام و نظر امام خمینی^۶ درباره ارتباط آن با صدور انقلاب آورده شده است. در پایان، اهداف مهم صدور انقلاب اسلامی بیان گردیده که عبارتند از: ذاتی و اجتناب‌ناپذیری، صدور الگوی ارزش‌های مطلوب، اجرای تکلیف شرعی، نفی ظلم و حمایت از مظلوم، اصل «دعوت»، نفی سبیل، دارالاسلام، زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اسلام.

معنای «صدور انقلاب»

«صدور انقلاب» به فرایند گسترش افکار، آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی به دیگر ممالک جهان اشاره دارد. صدور انقلاب اقدامی مدون، برنامه‌ریزی شده و هدفمند است که توسط دست‌اندرکاران انقلاب‌ها به‌منظور تأثیرگذاری بر کشورهای همسایه و غیر آن صورت می‌گیرد. این در حالی است که این سیاست‌های اتخاذشده با بازتاب‌های متفاوت مواجه است؛ زیرا بازتاب‌ها نتیجه اثری است که انقلاب‌ها در بیرون از مرزها به‌جا می‌گذارد و می‌تواند بدون برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خاصی باشد (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۵۰۱).

هر انقلابی به‌طور طبیعی، میل به گسترش و نمو دارد، و انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. از این نظر، می‌توان گفت: صدور انقلاب‌ها، یک نتیجه فرایندی طبیعی است و همچنان ادامه دارد (جهانگیری، ۱۳۹۴). از این رو، هر انقلابی توان صدور ندارد؛ تنها برخی انقلاب‌ها با ویژگی‌های خاص، این قدرت را دارند. در این زمینه می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

اگر انقلابی به ملیت متکی باشد نمی‌تواند قابل صدور باشد برای مثال، نهضت ملی را می‌توان انقلابی ملی قلمداد کرد که بعدنهایی آن ملیت است. و این غیرقابل قبول است که مردمی در داخل کشورشان انقلابی ملی بکنند و بعد بخواهند به کشورهای دیگر بگویند ما می‌خواهیم ملیتمان را به کشورهای دیگر صادر کنیم؛ زیرا در این صورت، آنها خواهند گفت: ما خود میلیتی داریم و به ملیت شما نیازی نیست. و همچنین اگر انقلاب متکی به مکتبی باشد که آن مکتب نیز مخصوص میلیتی خاص است، مانند مکتب صهیونیسم که برای یک نژاد خاصی است و خودشان نیز بدان معتقدند نمی‌توانند آن را به نژادهای و ملت‌های دیگر صادر کنند (مهاجری، ۱۳۵۹، ص ۴ و ۵۶).

اما اگر انقلاب بر پایه مکتبی باشد که آن مکتب جهانی است، مانند مکتب اسلام، در این صورت، چنین انقلابی نباید در داخل مرز؛ و تنها برای یک ملت محدود شود، بلکه چنین انقلابی باید صادر شود (همان، ص ۵۶). صدور انقلاب، صدور پیام رسالت انقلاب اسلامی و انتقال ارزش‌های معنوی و الهی به گوش جهانیان است که این امر در سایه زور و لشکرکشی انجام نمی‌شود، بلکه برای نیل به این هدف، باید تمام امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی، محتوای پیام، موقعیت زمان و مکان و نیازهای مخاطبان در مناطق گوناگون دنیا ملاحظه شود (جهانگیری، ۱۳۹۴).

صدور انقلاب در اندیشه سیاسی امام خمینی

در سنگ‌بنای جمهوری اسلامی ایران، اندیشه سیاسی امام خمینی نهفته است. در اندیشه ایشان، صدور انقلاب از اقدامات اساسی و حیاتی جمهوری اسلامی به‌شمار می‌آید. ایشان بر این مهم پایبند بودند که فرهنگ دینی جمهوری اسلامی، به‌ویژه تشیع، باید به ملت‌های اسلامی و غیراسلامی صادر گردد؛ به‌گونه‌ای که اشاعه ارزش‌های انسانی و الهی را در رأس امور حکومت و از وظایف حتمی مسئولان قرار داد.

به‌طور قطع، نظرات و اندیشه‌های امام خمینی را نمی‌توان منفک از آراء فقهی ایشان واکاوی کرد. به عبارت دیگر، دانش سیاسی امام خمینی غالباً برگرفته از اندیشه فقهی ایشان است و قرائت ایشان در معرفت سیاسی، الهام گرفته از القائات فقهیانه است تا فیلسوفانه (خدادادی، ۱۳۹۴).

انقلاب اسلامی از دل فقه سیاسی امام راحل بیرون آمده است؛ زیرا مبارزه یک فعل است و فعل همیشه موضوع فقه، خواه این فعل برای فرد باشد یا جمع. از این نظر که ایشان فقیه بود و آشنا با موضوعات سیاسی، و بر این اساس، انقلاب را اداره می‌کرد، انگیزه عمل به وظیفه برای مردم انگیزه‌ای قوی بود. بسیاری از افراد با این اعتقاد که وظیفه شرعی‌شان برپایی انقلاب است، بسیاری از خطرات را نادیده گرفتند. البته تجربه‌های انقلاب نیز تأثیرگذار بود. از این رو، انقلاب اسلامی را می‌توان انقلابی دانست که قرار گرفته بر ریلی است که فقه آن را تعریف کرده بود (مبلغی، ۱۳۸۸).

تأکید بر تبلیغ، اشاعه و گسترش اصول و مبانی ارزش‌های انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی از اهداف کلان امام راحل بود. این اهداف، که از جایگاه ویژه‌ای در نظام اسلامی برخوردار است، عبارتند از: حفظ کیان اسلام؛ صدور انقلاب اسلامی؛ تأمین سعادت بشری؛ و ایجاد جامعه واحد جهانی (امت) (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱).

در اندیشه امام خمینی، صدور انقلاب از ضروریاتی است که اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود و بر پایه منظمه‌ای از اهداف و برنامه‌ها (همچون: ایجاد بیداری و آگاهی بخشی به ملت‌ها و بعضاً دولت‌ها در جهت شناساندن ویژگی‌های حکومت اسلامی به آنها، که در شاکله وجودی خود برخوردار از مردم‌سالاری دینی، عدالت‌ورزی، ظلم‌ناپذیری و ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومان جهان، و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش جهان) نهایت تلاش خود را در اجرای دقیق آموزه‌های دینی به عمل می‌آورد در بلور امام راحل، «ما موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۸، ص ۱۰۲).

جایگاه فقه سیاسی در نظریه «صدر انقلاب اسلامی»

«قواعد فقه سیاسی» در امر سیاست و حکومت، از جایگاه خاصی برخوردار است و در جهت «چارچوب‌سازی و ارائه‌ی طریق برای تشکیل حکومت و سیاست‌های داخلی و خارجی آن، تدوین قانون، آیین‌نامه‌ها و مقررات جزئی و کلی و صدها نیاز حکومت» گام برمی‌دارد. «پاسخ‌گویی به مسائل مبتلابه و نوپیدا»؛ «پاسخ‌گویی سریع و بدون مراجعه به مجتهد»؛ «نظام‌مند کردن مقررات حاکم بر جامعه»؛ «تثبیت مقررات حاکم»؛ «متحداً شکل کردن قوانین کشورهای اسلامی» برخی از اهداف و فواید فقه سیاسی است (نادری، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵ و ۱۷۶).

«حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی است» (فیرحی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴). جامعه اسلامی نیازمند قوانین و مقرراتی است که بتواند براساس آن و طبق احکام شرع اداره شود. از آنجاکه حکومت اسلامی عهده‌دار اجرای قوانین اسلامی در جامعه بوده و در تلاش است که بسترهای اجرای احکام اسلامی را فراهم آورد، باید فقها و مجتهدان و صاحب‌نظران عرصه دین، احکام حکومتی را وضع نمایند که در این زمینه، «فقه سیاسی» یا «فقه حکومتی» جایگاه بالایی دارد و می‌تواند در تمام شئون جامعه وارد شود، و بنابراین ضرورت، قواعد فقهی را در اختیار مردم قرار دهد تا روابط میان دولت و مردم، امور اجتماعی، فرهنگی، معاملات، عقود، جهاد، تبلیغ، امور درمانی، زیست‌محیطی، استفاده از فناوری‌های نوین و رسانه‌های جمعی مطابق شرع و دین برای کاربری آسان در دسترس مردم قرار گیرد (اکبری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷-۱۷۸).

بنابر نظر قداما، فقه به دو دسته «عبادات» و «معاملات» تقسیم می‌گردد که عبادات مربوط به امور اخروی است و معاملات به امور دنیایی و ناسوتی مربوط می‌شود. در این بین و طبق تقسیم‌بندی صورت گرفته، فقه سیاسی در دسته «معاملات» قرار می‌گیرد. اما امروزه تغییراتی در دسته‌بندی فقه در جهت انطباق مباحث فقهی با قوانین جدید موجود در نظام جمهوری اسلامی و حل مسائل مبتلابه و نوپیدا در جامعه، صورت گرفته است، بدون اینکه تغییری اساسی در ماهیت فقه سیاسی صورت گیرد (عمیدزنجانی و ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۴۹ و ۵۰).

در فقه، مباحثی تحت عنوان «جهاد»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «حسبه»، «امامت و خلافت»، «مؤلفه قلبی»، «دعوت به اسلام»، «صلح و قرارداد با دولت‌های دیگر»، «همکاری با حاکمان» و نظایر آن مطرح شده است که از آنها به «احکام سلطانیه» یا «فقه سیاسی» تعبیر می‌شود. بدین‌رو، «فقه سیاسی» آن دسته از نظام

حقوقی است که تحت عناوینی همچون «حقوق اساسی» و «حقوق بین‌الملل» و مانند آن نامیده می‌شود (همان، ص ۵۱۰).

با کمی دقت نظر در مهمات مباحث فقه سیاسی، از جمله دعوت به اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، و نفی ظلم و حمایت از مظلوم، و همچنین واکاوی در اصول و مبانی مطرح شده در اصل صدور انقلاب، درمی‌یابیم معانی و مفاهیم مندرج در این دو اصل، از همسانی و اشتراک بالایی برخوردارند و خط‌مشی‌ها، اهداف و برنامه‌های به‌کاررفته در راهبرد صدور انقلاب ملهم از تعالیم دینی مندرج در فقه است، تا جایی که کوتاهی و یا سهل‌انگاری در عمل به صدور انقلاب، طبق فرامین الهی، گناهی نابخشودنی به‌شمار می‌رود.

به‌طور قطع، می‌توان گفت: ترسیم آینده‌ای دور در انقلاب اسلامی ایران، نشان از عمق تاریخ گذشته‌اش دارد که از هدایت پیامبر الهی نشئت می‌گیرد. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی با تکیه بر گذشته‌های بالغ بر پانزده قرن، با تفسیر و اجتهاد عالمان دینی از قرآن و سیره پیامبران، خود را داعیه‌دار آینده جهان می‌داند، و با تکیه بر همین عقیده، اقدام به طرح نظریه «صدر انقلاب» می‌کند (ره‌دار، ۱۳۹۵).

با تأمل در میراث فقهات شیعی، چنین به نظر می‌رسد که دغدغه مذکور را تنها در گفتمان فقهی حضرت امام که از فقه سیاسی ایشان بزرگ‌تر بوده و شامل فقهات و ورزی‌هایی که پس از وی در ذیل گفتمان فقهی ایشان صورت گرفته، می‌توان پی گرفت. گفتمان مذکور از سویی، به دلیل قوت نظریاتش، که می‌توان آن را میراث‌دار و برآیند تاریخ فقهات شیعه دانست، و از سویی، به دلیل تجربه عملی‌اش در اقامه حکومت و چندین دهه تداوم بخشیدن به آن، به خوبی با مسائل انقلاب اسلامی و الزامات زیست در پهنای جهانی است، آشنا می‌شد (ره‌دار، ۱۳۹۵).

گفتمان اسلام سیاسی پیش از انقلاب اسلامی از خرده گفتمان‌های متعدد با تعابیر متفاوت از اسلام برخوردار بود؛ اما گفتمان امام خمینی با عنوان «گفتمان سیاسی - فقهاتی» بر گفتمان‌های موجود دیگر پیشی گرفت. این گفتمان بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت تأکید می‌ورزد. امام راحل در طول سال‌های مبارزه با رژیم شاه، به مفهوم‌سازی‌های جدید از قواعد اسلام، از جمله اسلام سیاسی - فقهاتی پرداخت و آن را به مردم عرضه داشت (نادریان، ۱۳۹۳).

در فقه سیاسی جامع و مانع، در عین حفظ تبار مفاهیم بنیادین

یک اصل و هدف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی درآمد. صدور انقلاب اسلامی یعنی: صدور معنویت اسلام در چارچوب توحید و شریعت اسلامی. صدور انقلاب بخشی از رسالت برون مرزی همه انقلاب‌هاست. شعاع صدور انقلاب در هر انقلابی، به شعاع آرمان‌ها، اهداف، زمینه‌ها، دیدگاه شمول‌گرایانه، ایده‌های آن و قدرت انقلابیون بستگی دارد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸).

تعریف «امر به معروف و نهی از منکر»

«امر به معروف» و «نهی از منکر»، دو ترکیب قرآنی است که بارها به صورت‌ها و معانی گوناگون، در قرآن به آنها اشاره شده است؛ مثلاً خداوند در آیه ۱۱۴ سوره مبارکه آل عمران، «امر به معروف» و «نهی از منکر» را از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن دانسته، می‌فرماید: پیامبران الهی بر پایه عمل به این فریضه الهی، توانستند بار سنگین رسالت را بر دوش بکشند و به هدایت انسان‌ها و تبلیغ دین الهی بپردازند. قرآن کریم در وصف صالحان و شایستگان می‌فرماید: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ». آنان گروهی هستند که به خداوند و قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و در انجام کارهای خیر شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگان هستند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در آیه فوق، به روشنی بیان شده است؛ چنان‌که صفات انسان‌های مؤمن را پس از اعتقاد به خداوند و معاد، «امر به معروف و نهی از منکر» بیان کرده است، و این تسلسل، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را بیشتر نشان می‌دهد (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۷۷ و ۷۸ و ۷۹).

همچنین قرآن کریم در جای دیگر، اقامه‌کنندگان این دو فریضه الهی را از بهترین امت برمی‌شمرد؛ آنجا که می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم آفریده شده‌اید (و دارای این ویژگی هستید) که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

خداوند در این آیه مبارکه، امت اسلامی را بهترین امت معرفی می‌کند؛ زیرا امت اسلامی به تبلیغ و گسترش احکام و فرائض دینی می‌پردازد و به این تکلیف الهی (امر به معروف و نهی از منکر) جامعه عمل می‌پوشد (همان، ص ۷۹ و ۸۰).

دینی، کارآمدی احکام دینی مطمح‌نظر قرار می‌گیرد. بر همین سیاق، اندیشمندی فیلسوف و فقیه همچون امام خمینی^ع ضمن توجه به عناصر معرفتی اخلاق و فلسفه، به حوزه منطق فقه‌ای در قالب احکام فردی و اجتماعی توجه می‌کند و در سایه این توجه، «فقه» نظریه واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور تلقی می‌گردد (رهبر، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷ و ۱۶۹). در واقع، گفتمان اسلام سیاسی - فقه‌ای سعی داشت از یک‌سو، با طرد گفتمان‌های سلطنت و طرح گفتمان اسلامی، گفتمان حاکم را به چالش بکشد و مبارزه مسلحانه، که توسط گفتمان‌های رقیب، همچون فداییان خلق صورت می‌گرفت را در حاشیه قرار دهد (نادریان، ۱۳۹۳)، و از سوی دیگر، ماتریالیسم یا مادی‌گرایی را، که در گفتمان مدرن، مبنایی غالب در عرصه بین‌الملل است، نفی کند؛ زیرا گفتمانی که حول محور اسلام به عنوان یک دین الهی بچرخد، نمی‌تواند نگاهی مادی‌گرایانه داشته باشد (آجیلی و اسماعیلی اردکانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵-۱۳۴).

حکومت دینی ایران نمونه بارزی از اسلام سیاسی - فقه‌ای است و امام خمینی^ع مفسر اصلی این گفتمان به‌شمار می‌آید. اسلام در گفتمان مزبور دال مرکزی است که از دال‌های شناور جمهوری، قانون‌گرایی، صدور انقلاب، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و مانند آن تشکیل می‌گردد (میراحمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

فقه سیاسی به دنبال تبیین احکام اسلام و یا به بیان دیگر، بیان بایدها و نبایدهای عملی در عرصه مملکت‌داری و دارای عرصه‌های داخلی و خارجی است. یکی از اصول مهم، که در این عرصه کارایی دارد، اصل «امر به معروف و نهی از منکر» است. به عبارت دیگر، اسلام دال مرکزی است که به دیگر دال‌ها جهت می‌دهد و صدور انقلاب را نیز به عنوان یک دال شناور از طریق اصل مهم و فاخر خود، که «امر به معروف و نهی از منکر» است، در جهت اهداف کلان خود، به کار بست فقه سیاسی اضافه می‌کند. به بیان دیگر، می‌توان از یک نظریه تلفیقی بهره گرفت. بدین‌روی، بنابر اینکه «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از فروع مهم دین اسلام بوده و وظیفه مسلمانان اشاعه معروف است، انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک گفتمان فقه‌ای و معروف بزرگ در اسلام، وظیفه صدور پیدا می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، در چارچوب اصل «دعوت»، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد، به‌گونه‌ای که صدور انقلاب به صورت

در *دائرة المعارف تشیع*، درباره «امر به معروف و نهی از منکر» آمده است: «هفتمین و هشتمین فرع از فروع مذهب در آیین امامیه به‌شمار می‌آید، و مراد از آن برانگیختن مردم به طاعت و بازداشتن آنان از معصیت، و آن با گفتار و کردار و نیز با پندار است؛ بدین‌گونه که امرکننده به نیکی و نهی‌کننده از بدی با سخن نرم و در صورت لزوم، با گفتار درشت و تهدیدآمیز خود، و نیز با فرمان دادن و با اقدام عملی خویش، مردم را به نیکی برمی‌انگیزاند و از بدی باز می‌دارد» (حاج سیدجوادی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۹۸ و ۴۹۹).

دایره امر به معروف، واجبات و مستحبات، و گستره نهی از منکر محرمات الهی است. در شمول امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مکروهات، میان فقها اختلاف است (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۱، ص ۳۵۶). امر به معروف بر حسب آنکه متعلق آن (یعنی: معروف)، واجب یا مستحب باشد، واجب و یا مستحب خواهد بود؛ و نهی از منکر نیز با توجه به آنکه متعلق آن امر قبیح است همیشه واجب خواهد بود. (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۲۴). مرحوم صاحب جواهر نهی از منکر را نیز دو قسم کرده و نهی از حرام را واجب، و نهی از مکروه را مستحب دانسته است (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۲۱، ص ۳۶۵).

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی

اسلام دینی جهانی است که خداوند متعال آن را برای همه عصرها و زمان و مکان‌ها فرستاده است. خداوند هر انسان دین‌داری را مکلف کرده است تا با عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به اشاعه نیکی‌ها و دوری از بدی‌ها در جامعه انسانی بپردازد؛ همان‌گونه که انبیای الهی بدون عمل به این دو فریضه، قادر به ترویج ادیان الهی نبودند و بدون اجرای این فریض، نبوت به انحلال می‌رسید.

از صدر اسلام، در جامعه اسلامی پیامبر اکرم ﷺ یاران ایشان و نیز امامان معصوم ﷺ از فریضه امر به معروف و نهی از منکر برای حفظ اصول مکتب بهره می‌گرفتند و آن را یک تکلیف الهی می‌دانستند و مسلمانان آن دوران آن اصل را از وظایف الهی خود دانسته، به اجرای این فریضه بزرگ همت می‌گماشتند (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۶۰).

«امر به معروف و نهی از منکر» در حقیقت، «نظارت عمومی» است که اهمیتی بالا دارد؛ آن‌گونه که می‌توان گفت: مبنا و شالوده اجرای احکام و دستورات اسلام است و بدون آن، همه احکام و فرامین الهی معطل می‌ماند، و در یک کلام باید گفت: فلسفه و بعثت انبیای الهی، در انجام وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر است (اصغری، ۱۳۷۸، ص ۲۶).

دین اسلام برای همه جهانیان آورده شده و از اصول و فروع آن باید با دقت، پاسداری و حراست شود. پس همه کسانی که ادعای مسلمان بودن دارند باید مسئول حفظ آن و نشر و اشاعه صحیح آن باشند. از میان قوانین الهی، قانون «امر به معروف و نهی از منکر» را می‌توان داعیه‌دار این امر خطیر دانست. از همین روست که امیرمؤمنان علی ﷺ نه تنها آن را با فضیلت‌تر از امر «جهاد» در راه خدا می‌دانند، بلکه این قانون را «ضامن اجرایی» تمام احکام و فرامین دیگر الهی معرفی می‌کنند (همان، ۱۳۴۴ و ۳۵).

معروف به نوبه خود، دارای مراتبی است؛ بدین معنا که شارع در انجام بعضی واجبات اهتمام و تأکید بیشتری دارد که در روایات به آنها اشاره شده است. یکی از مهم‌ترین‌ها، ارکان اسلام است که در روایات، از آنها به ولایت، نماز، زکات، روزه و حج تعبیر شده است. در مرتبه بعد، امور حسبیه قرار دارد که عبارت است از: تمام امور پسندیده‌ای که شرع اسلام تحقق خارجی آن را قطعاً خواسته و وظیفه ایجاد آن به شخص معینی موکول نشده است.

می‌توان گفت: «حسبه» به امور اجتماعی اطلاق می‌شود که نظام و اداره امور زندگی جامعه از هر نظر به آن بستگی دارد، و اگر این امور تعطیل بماند زندگی اجتماعی فلج شده، به تدریج رو به اضمحلال و نابودی می‌نهد. گران‌قدرترین فقیه‌ای که جایگاه و دامنه امور حسبیه را تبیین کرده، امام خمینی ﷺ است. ایشان در کتاب *البیع*، ابتدا «امور حسبیه» را این‌گونه تعریف می‌کنند: امور حسبیه اموری است که به یقین، می‌توان گفت: شارع مقدس راضی به وانهادن آنها به حال خود نیست و حتماً باید مسئولی عهده‌دار تصدی آن باشد. در این موارد، اگر یقین حاصل شود که افرادی معین یا نامعین وجود دارد که آن امور را تصدی می‌کنند، دیگر بحثی نیست؛ اما اگر ثابت شود که انجام این امور منوط به نظر امام ﷺ است، در آن صورت، بنا به دلایل ولایت فقیه، این موارد نیز در دوران غیبت امام ﷺ از جمله

که از اهداف اولیه صدور انقلاب به‌شمار می‌رود. اهداف «غیرمستقیم» صدور انقلاب، که به معنای حفظ و ثبات امنیت جمهوری اسلامی ایران است، به اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و درازمدت تقسیم می‌شود. هدف «کوتاه مدت» به امنیت جمهوری اسلامی ایران در سطح تأمین منافع ملی حیاتی اشاره دارد. در این زمینه، می‌توان به کشورهای همسایه به‌مثابه توسعه مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی اشاره نمود که در اثر گسترش آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی به این مناطق، کمربند نفوذ امنیتی شکل می‌گیرد و رسیدن به اهداف و آرمان‌ها را برای ایران را مهیا می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۹۳، ص ۶۷۶). اما اهداف میان‌مدت و درازمدتی نیز در ورای صدور انقلاب اسلامی وجود دارد که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ذاتی و اجتناب‌ناپذیر بودن

پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیت خاص معنوی و معرفتی، توجه و اقبال جهانیان، به‌ویژه مستضعفان جهان را برانگیخت، به‌گونه‌ای که با استقبال بی‌نظیری از سوی آنان روبه‌رو شد. عمق تأثیرگذاری و اثربخشی چنان بود که برخی نظریه‌پردازان و اندیشمندان را واداشت تا به عمق و عظمت انقلاب اسلامی اعتراف کنند. اجتناب‌ناپذیری صدور انقلاب اسلامی به این سبب است که خواسته یا ناخواسته موجب آگاهی و بیداری کشورهای دنیا می‌گردد، و این به خاطر ماهیت انقلاب اسلامی است که نشئت گرفته از اعتقادات عمیق دینی است.

امام خمینی^ع نیز مسئله «صدور انقلاب» را در درجه اول، امری ذاتی و اجتناب‌ناپذیر می‌دانست؛ زیرا که با دمیدن روح اسلام و معنویت در این انقلاب، توجه میلیون‌ها مسلمان در اقصا نقاط جهان به سوی آن جلب شد و مسلمانان آزاده جهان نیز که تا آن روز در جست‌وجوی گمشده خود بودند، با شنیدن پیام انقلاب احساس کردند به محبوب خود رسیده‌اند (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

در این زمینه، امام راحل مسئولیت حجاج را این‌گونه به آنان گوشزد نمود:

شما حجاج بیت‌الله الحرام حامل پیام این ملت و نمایندگان این کشور هستید در این صورت، موقعیت شما بسیار حساس و وظیفه شما سنگین است. ان‌شاءالله، چنانچه انتظار می‌رود با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود، نظر همگان را جلب کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن‌گونه که هست، به

امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی^ع باید کوشش کنید تا طرز حکومت اسلام و رفتار حکام اسلامی را با ملت‌های مسلمان به اطلاع دنیا برسانید تا زمینه فراهم شود که حکومت عدل و انصاف به جای این حکومت‌های استعمارزده، که اساس آن بر ظلم و چپاول است، برقرار شود. اگر قشرهای جوان از هر طبقه که هستند، جهت حکومت اسلام را، که با کمال تأسف جز چند سالی در زمان پیغمبر اسلام - صلی الله - و در حکومت بسیار کوتاه امیرالمؤمنین جریان نداشت، بفهمند، اساس حکومت‌های ظالمانه استعماری و مکتب‌های منحرف کمونیستی و غیره خود به خود برچیده می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ۳۴۵-۳۴۷).

امام خمینی^ع با تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، یک معروف بزرگ را بنا نهاد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تحقق همین شعار است. صدور انقلاب اسلامی عمل به این فرایض الهی در سطح بین‌المللی است. با باور به اینکه دین اسلامی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها آمده، نباید این شیوه حکومتی را که در نظام اسلامی پیاده شده است، به ایران محدود کنیم. انقلاب اسلامی از یک نقطه آغاز شد؛ اما نباید به همان نقطه محدود بماند، بلکه باید به همه نقاط جهان صادر گردد. اگر انقلاب اسلامی بنا دارد تا در سطح جهانی به یک تمدن اسلامی برسد و زمینه حکومت جهانی به پرچمداری حضرت مهدی موعود(عج) را فراهم سازد، باید تلاش کند با صدور معنویت و مبانی حکومت منحصر به فرد اسلامی، دولت‌ها و ملت‌های موجود در نظام بین‌الملل را با نظام اسلامی آشنا سازد. در این صورت است که می‌تواند مدعی باشد که این نظام به مأموریت الهی خود در سطح جهانی جامه عمل پوشیده است. از این‌رو، امام خمینی^ع تصریح می‌کند: «هیچ امری نباید موجب انحراف از هدف بزرگ انقلاب، یعنی ایجاد حکومت جهانی اسلام شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۰۸).

اهداف صدور انقلاب اسلامی

در تبیین اهداف صدور انقلاب، می‌توان به دو دسته اهداف مستقیم و غیرمستقیم اشاره کرد. «اهداف مستقیم» صدور انقلاب ناظر بر تبلیغ و ترویج آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در سایر کشورهاست

مربوط به ما نیست، ملت ما در سراسر کشورهای اسلامی اثر می‌گذارد و ملت‌ها را به فکر رهایی از شرق و غرب می‌اندازد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۹۲).

بنابراین، انقلاب اسلامی با گفتمان اسلامی و با ادعای رهبریت جهانی، الگوی جدیدی برای زندگی در جوامع اسلامی و غیراسلامی ساخته است.

۳. اجرای تکلیف شرعی

«امر به معروف و نهی از منکر» از واجبات فقهی است. اگر صدور ارزش‌های دینی، معرفی چهره حقیقی اسلام، مبارزه با ظلم و استکبارستیزی در سایه تبلیغ و آموزش را از زاویه امر به معروف و نهی از منکر ببینیم، درمی‌یابیم این فریضه (صدور) از فرایض واجب فقهی به‌شمار می‌رود. در جهت اجرای این اوامر و نواهی است که جمهوری اسلامی ایران صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار داده و از تکالیف شرعی خود دانسته است و عدول از این تکالیف را روا نمی‌دارد.

امام خمینی^ع قیل از اینکه یک رهبر سیاسی باشد، یک مرجع عالی قدر دینی بود که ساختار حکومت را از منظر اسلام شیعی می‌دید. از این نگاه، ایشان برای حکومتی با مبنای اسلامی شیعی، تکلیف فراملی دارد و معتقد است: انقلاب اسلامی موظف است تا پیام رهایی‌بخش انقلاب اسلامی را به گوش نهضت‌های آزادی‌بخش و مردم آزاده جهان برساند (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹، ص ۴۶).

برای ایشان، صدور انقلاب یک تکلیف است. ایشان همچنان که مسلمانان را مکلف به استقرار حاکمیت اسلام در داخل کشور می‌داند، به همان میزان، آنان را مکلف به استقرار اسلام و پاسخ به فریاد مستضعفان در سایر نقاط جهان می‌دانست (فلاح نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۶). امام راحل در این باره فرمود:

ما انقلابیمان را به جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست، و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۱۴۷ و ۱۴۸).

۴. نفی ظلم و حمایت از مظلوم

بنابر آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت^ع دین مبین اسلام نه ظلم کردن را برمی‌تابد و نه ظلم‌پذیری را. اسلام دین رحمت و مودت است.

نمایش ملت‌های جهان می‌گذارید و توجه آنان را با برخورد‌های برادرانه و محبت‌آمیز، به انقلاب بزرگ ایران جلب می‌نمایید و عملاً تبلیغات فاسد مغرضانه بوق‌های تبلیغاتی را خنثا می‌نمایید که در این صورت، حج شما مقبول و اجر شما مضاعف خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۲۷).

۲. صدور الگوی ارزش‌های مطلوب

تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، انقلاب‌های زیادی در اقصا نقاط جهان صورت گرفته بود که هر کدام از آنها حاوی یک یا چند بعد محدود از آرمان‌ها و ارزش‌های یک انقلاب بود. اما انقلاب اسلامی ایران، که به اقرار بسیاری از متفکران، اندیشمندان و سیاست‌مداران بزرگ جهان، از پایایی و مانایی ویژه‌ای برخوردار است، سعی کرده جمیع ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی و دینی و الهی را در خود پیرواند و پس از آن به عنوان الگویی تمام‌عیار به دنیا معرفی نماید.

انقلاب اسلامی توانست با تشکیل دولت اسلامی برگرفته از شریعت و فرهنگ اسلامی، و همچنین انتقال تجربه خویش در مبارزه با استبداد و استکبار جهانی، به گفتمانی با پشتوانه قوی و مستحکم تبدیل گردد، و با پای‌بندی به ارزش‌های دینی، انقلاب اسلامی مبتنی بر وحی الهی را به شرق و غرب معرفی نماید، تا جایی که به عنوان یک الگوی تمام‌عیار انسانی به جهان معرفی گردد.

امام راحل امکان الگوسازی از نظام سیاسی مطلوب را از طریق ارائه اصول سیاسی - اجتماعی موجود در متون اسلامی به فعلیت رساند. در اندیشه ایشان چنین نظامی می‌تواند در اجتماع عظیم بشری موجی ایجاد کند، به‌گونه‌ای که متفکران بزرگ را در جهان متأثر سازد (عمیدزنجانی و ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰).

بنابراین، امام راحل انقلاب اسلامی را «الگوی ارزش‌های مطلوب مستضعفان» جهان دانسته، باور داشت که انقلاب اسلامی مقبول محرومان و مسلمانان مظلوم جهان است؛ زیرا مبین اهداف و آرمان‌های ستم‌دیدگان جهان است. با نگاه دقیق، می‌توان فهمید که هدف امام راحل از «صدور انقلاب» لشکرکشی نظامی به مناطق جهان نیست (فلاح نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

امام خمینی^ع در جواب این سؤال که «آیا فکر می‌کنید نبرد و نهضتی را که ایجاد کرده‌اید موجب بروز جهادی در ایران و در جاهای دیگر، مثل ترکیه و سایر کشورها نخواهد بود؟» گفت: «آن

اینکه ما انقلابیان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قایل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین است. و از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند. اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابان را صریحاً با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت‌باری که داریم، با جهان برخوردی مکتبی می‌نماییم (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۰۲).

۶. پیگیری اصل دعوت

«دعوت» از اصول اساسی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در رفتار سیاسی و حکومتی پیامبر اکرم علیه السلام بود. ایشان از سال ششم هجری، به دعوت علنی پرداختند و نامه‌هایی به امپراتوری‌های جهان فرستادند. اصل «دعوت»، که همان شناساندن احکام شریعت به مردم است، در زوایای گوناگون زندگی و مبارزات پیامبر علیه السلام وجود داشت. ایشان حتی در جنگها - مثلاً، در جنگ خیبر - ابتدا اقدام به دعوت و تبلیغ دین می‌نمودند.

رفتار امام خمینی علیه السلام در سیاست خارجی، در سه اصل فقهی، که بین شیعه و سنی، از همان قرون اولیه اسلام تا کنون مشترک بوده است، می‌گنجد: دعوت، نفی سبیل، و حفظ دارالاسلام.

«دعوت» یک سنت عام بشری است که ادیان گوناگون در طول تاریخ، از این طریق، همواره در تلاش برای اشاعه مذهب خویش بوده‌اند، همچنان که مسیحیت طی سالیان متمادی، با شیوه‌های مختلف سخت و نرم به تبلیغ دین خویش می‌پرداخت و برای این منظور، سفیرانی به سراسر دنیا برای انتقال و گسترش ارزش‌های دینی خود مبادرت می‌ورزید. برای مثال، اکنون می‌بینیم که ژاپنی‌ها، که بودایی هستند، روز «کریسمس» را، که از آیین مسیحیت به‌شمار می‌رود، جشن می‌گیرند؛ زیرا مسیحیت توانسته است روز مهمی از تاریخ خود را در نظام اداری کشورهای مسیحی و غیرمسیحی جا بیندازد و این روز مهم مسیحیت را جهانی کند (قادری، ۱۳۹۲).

بنابراین، اصل «دعوت» از سنت‌های مشترکی است که هر ملت و گروه و اجتماعی خواسته و ناخواسته به آن توجه دارد؛ اما انجام این کار در اسلام، از ضروریات دین محسوب می‌گردد و به صورت یک اصل در سیاست خارجی و به شکل پررنگی مطرح می‌شود (قادری، ۱۳۹۲).

همچنین با پذیرفتن این دو اصل، توصیه مؤکدی بر حمایت از مظلومان و ستم‌دیدگان کرده است. با ایمان به اینکه اصل نفی ظلم و حمایت از مظلوم از ارکان آموزه‌های دینی به‌شمار می‌رود، انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی فقهی و در جهت اجرای فرامین الهی با صدور دستاوردها و تجارب موفق، با انتقال این ارزش‌های دینی، در صدد است تا ظلم‌ستیزی و ظلم‌ناپذیری را به ملت‌های جهان گوشزد کند و خود نیز با حمایت از مظلومان و ستم‌دیدگان، حقانیت این ادعا را برای جهانیان به اثبات برساند. امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

نبوت اصلاً آمده است و نبی مبعوث است برای اینکه قدرتمندهایی که به مردم ظلم می‌کنند پایه‌های ظلم آنها را بشکنند و این کنگره‌های ظلم، که با زحمت این بیچاره‌ها، به خون دل این بیچاره‌ها، به استثمار گرفتن این مردم ضعیف، این پایه‌های قصر بالا رفته، کنگره‌هایش [را بشکنند].

ملت اسلام بیرو مکتبی است که برنامه آن خلاصه می‌شود در دو کلمه: «لا تظلمون ولا تظلمون».

برای من مکان مطرح نیست، آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد، آنجا خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۳۹۱).

۵. تاکتیک تهاجمی

انقلاب اسلامی ایران از ابتدای پیروزی، آماج حملات سخت و نرم دشمنان دین و اسلام بوده است. روشن است در چنین وضعیتی، جمهوری اسلامی باید با اتخاذ عملیات پیش‌دستانه، با حمله به مبانی فکری و عملی دشمنان، به تهاجم فکری، فرهنگی و سبک زندگی غربی دست بزند تا در جهت تأمین و گسترش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی خویش، از اصول و مبانی نظری انقلاب اسلامی، که منبعث از دین توحیدی است، پاسداری نماید و از تعرض دشمنان و ابرقدرت‌ها در امان نگه دارد.

از جمله اهداف دیگر امام راحل، از صدور انقلاب این بود که ایشان صدور را به عنوان تاکتیکی علیه خطرات دشمنان انقلاب می‌دانست و همواره به مسئولان نظام گوشزد می‌کرد تا با نگاه پیش‌دستانه، به صیانت از دستاوردهای انقلاب اسلامی عمل کنند و در این اقدام، لحظه‌ای تردید به خود راه ندهند (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۷). ایشان در این باره فرمود:

ما باید در صدور انقلابیان به جهان کوشش کنیم و تفکر

اصل دعوت اگر روشن گردد از سویی، واقع‌گرایانه‌ترین اصول سیاست خارجی را با آرمان‌گرایانه‌ترین آمال بشری پیوند می‌زند؛ چراکه اصولاً حکمی است که بدون داشتن آرمان، حتی فهم آن نیز مشکل خواهد بود. از سوی دیگر، بی‌آنکه منافع ملی را نادیده بگیرد، آن را تا سطح مصالح عالیّه بشری ارتقا می‌بخشد (قادری، ۱۳۹۲).

«دعوت» زیربنای دیپلماسی اسلام به‌شمار می‌رود بنابراین، از اساسی‌ترین راهبردهای پیامبر اکرم ﷺ و امامان جانشین ایشان برای ایجاد ارتباطات در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با جوامع آن روز بود از آنجاکه پیامبر اکرم ﷺ از سوی خلوند مبعوث شده بودند، بدین‌رو، جهانی بودن رسالت ایشان از مهم‌ترین ویژگی آن بود. ایشان مأموریت داشتند تا دین اسلام را به گوش تمامی مردم جهان برسانند. راهبرد اساسی اسلام برای این کار، اصل «دعوت» است. «دعوت» مبنای سیاست داخلی و خارجی اسلام است. پیامبر اکرم ﷺ با اجرای گام به گام و تدریجی، به تبلیغ و گسترش دین اسلام مبادرت می‌ورزیدند. دعوت سرّی، دعوت خویشاوندان، دعوت عمومی، و دعوت همگانی مراحل گوناگونی است که ایشان با بهره‌گیری از آن به حفظ و اعتلای دین اسلام یاری رساندند (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴، صفحات متعدد).

با پیام امام راحل به گورباچف، همه کشورهای که خود را ضعیف می‌پنداشتند، عرصه بازی را در صحنه بین‌الملل فراخ‌تر دیدند و چنین شد که می‌توان گفت: نظم سیاسی، که بعد از آن بر مراودات بشری حاکم گردید، بین‌المللی‌ترین نظمی است که بشر تجربه می‌کند» (قادری، ۱۳۹۲).

۷. نفی سبیل

«نفی سبیل» از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که از آن به «نفی سلطه» تعبیر می‌شود. امام راحل این اصل فقهی را در قاموس احکام انقلاب اسلامی بنا نهاد و همواره در جهت این اصل، در نظر و عمل، تعرض و تسلط اجانب بر انقلاب اسلامی را مردود می‌شمرد.

تعبیر «نفی سبیل» یا «نفی سلطه» در جمهوری اسلامی ایران، به صورت شعار «نه شرقی، نه غربی» نمود یافت. کاربست این اصل در جمهوری اسلامی، موجب تحکیم مفهوم کشور به صورت عقلانی است. بر اساس این اصل، شعار «نه شرقی، نه غربی» عینیت می‌یابد و تسلط بیگانگان بر ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مسلمانان محکوم است و نفی می‌شود (قادری، ۱۳۹۲).

خداوند در این باره، در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ الْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز راهی

برای سلطه کفار بر مسلمانان فرار نداده است.

مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند (نادری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲). دشمنان برای مقابله با اسلام، اختلافات خود را کنار می‌گذارند. مسلمانان نیز باید در جهت منافع امت اسلامی، دشمنی‌ها را کنار زده، برای پایان دادن به سلطه و زور، به اشتراکات دینی متوسل گردند. خلوند هرگز راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان قرار نداده است. باید کاری کرد که کفار از سلطه بر مؤمنان برای همیشه مأیوس شوند. هر طرح، تفاهم‌نامه و قراردادی که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند، حرام است. مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند (همان).

۸. دارالاسلام

«حفظ دارالاسلام» یکی از مفاهیم بنیادی در فقه سیاسی است، به گونه‌ای که «وجوب حفظ دارالاسلام» به یکی از قواعد اساسی در فقه در آمده است. علمای شیعه همواره به این موضوع اهتمام داشتند و دفاع از کیان اسلام و حفظ و حراست از دارالاسلام در مقابل کفار را از واجبات برمی‌شمردند و برای رسیدن به این هدف متعالی، مجاهدت‌ها و رشادت‌های زیادی کردند.

آنان در رویارویی با پیشامدهای ناگوار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، حساس بودند و همواره اقدامات تأثیرگذاری را در جهت مصالح سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان جهان انجام می‌دادند و در این راه، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند.

«حفظ دارالاسلام» یک اصل است که به صراحت اشاره دارد به اینکه واجب است کشور حفظ شود، حتی اگر لازم باشد برای آن قربانی‌های بسیاری تقدیم گردد.

صیانت از مرزها در مقابل هجوم بیگانه و به عهده گرفتن مسئولیت خون شهیدان در دفاع از کشور، ریشه در اصل «حفظ دارالاسلام» دارد، و آن‌گاه که واحد سیاسی بزرگ‌تر از کشور، یعنی یک بلوک سیاسی تصور شود، مانند «امت مسلمان»، دست‌اندازی بیگانه بر سرزمین‌های اسلامی به موجب قاعده «حفظ دارالاسلام» حرام می‌گردد. چنین است که به رسمیت نشناختن رژیم اشغالگر قدس مبنای فقهی دارد. در رسیدن به این مهم، صدور انقلاب نقش بسزایی می‌تواند ایفا نماید. جمهوری اسلامی با اقدام به صدور انقلاب و کسب موفقیت در این زمینه و تشکیل کمربند نفوذ، چه

در این زمینه، مبانی و اهدافی که صدور انقلاب اسلامی را ضروری می‌سازد، عبارتند از: ذاتی و اجتناب‌ناپذیر بودن؛ صدور الگوی ارزش‌های مطلوب، اجرای تکلیف شرعی، نفی ظلم و حمایت از مظلوم، تاکتیک تهاجمی؛ پیگیری اصل «دعوت»، نفی سبیل، حفظ دارالاسلام؛ و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اسلام. همگی اینها نشانه‌هایی از ماهیت جهان‌شمولی مکتب اسلام و در نتیجه، ضرورت اشاعه و معرفی پیام انقلاب اسلامی به ورای مرزهای کشورمان است.

معنوی و چه دفاعی، می‌تواند به این مهم (حفظ دارالاسلام) دست یابد. به عبارت دیگر، صدور انقلاب حفظ دارالاسلام را تسهیل می‌گرداند؛ زیرا محصور کردن مبانی انقلاب اسلامی در مرزهای ملی و جلوگیری از آگاهی‌بخشی و روشنگری نسبت به آن، موجب می‌شود که آموزه‌های دینی و انقلابی به فرسودگی کشانده و به تدریج، آرمان‌های اولیه به فراموشی سپرده شود و در آینده، نه‌تنها در جهان و منطقه؛ بلکه در خود کشور اسلامی ایران نیز این آرمان‌ها رنگ باخته، از واقعیت مبنایی‌اش دور گردد.

۹. زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اسلام

دست‌اندرکاران انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت جهان‌شمولی دین اسلام و تکیه بر رهنمودهای امام خمینی علیه السلام که فرمود: «امری نباید موجب انحراف از هدف بزرگ انقلاب، یعنی ایجاد حکومت جهانی اسلام بشود و این راه انبیا است، و ما این راه را باید ادامه بدهیم»، صدور انقلاب را در دستور کار خویش قرار داد. انقلاب اسلامی ایران جهان سرگردان و تشنه «منجی» را گامی بزرگ به سوی رستگاری حقیقی پیش برد و به‌همین‌روست که آن را «انفجار نور» و در «انتظار ظهور» می‌خوانند. به فرموده امام خمینی علیه السلام:

امید است این انقلاب جرقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله (عج) منتهی شود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۶۲).

نتیجه‌گیری

تبیین نظم سیاسی، طراحی نهادها و تدبیر نظام‌های سیاسی جهان اسلام به عهده «فقه سیاسی» بوده و راهبرد «صدور انقلاب» یکی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب در منطقه و جهان است.

نظریه «صدور انقلاب اسلامی» به خارج از مرزهای ایران اسلامی، که یکی از اصول اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام است، بر فقه سیاسی شیعه و مسئله مهم «امر به معروف و نهی از منکر»، که از فروع دین اسلام است، اتکا دارد. بدین‌روی، وظیفه حتمی و شرعی هر شیعه است از آنجا که انقلاب اسلامی ایران به سبب اجرای شریعت اسلامی، یک معروف بزرگ محسوب می‌شود، برای صدور ارزش‌های آن به اقاصا نقاط جهان تلاش کند.

.....منابع

- اصغری، محمد، ۱۳۷۸، *مسئولیت همگانی در پرتو امر به معروف و نهی از منکر*، تهران، اطلاعات.
- اکبری، کمال، ۱۳۹۱، «تأثیرات فقه سیاسی شیعه بر جمهوری اسلامی»، *حکومت اسلامی*، سال هفدهم، ش ۶۴ ص ۱۷۸-۱۴۷.
- آجیلی، هادی و علی اسماعیلی اردکانی، ۱۳۹۲، «درآمدی بر معنا و مفهوم صلح - اسلام سیاسی فقاهتی»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال اول، ش ۴، ص ۱۰۵-۱۳۴.
- جعفری، علی اکبر و وحید ذوالفقاری، ۱۳۹۱، «اندیشه‌ها و راهبردهای اعمالی امام خمینی در نظام بین‌الملل»، *سیاست خارجی*، سال بیست و ششم، ش ۲- ص ۳۲۵-۳۴۴.
- جهانگیری، یحیی، ۱۳۹۴، «مفهوم‌شناسی تئوری صدور انقلاب در قاموس فکری امام و رهبری»، در: kayhan.ir.
- حاج سیدجوادی، احمد صدر، ۱۳۸۶، *دایرةالمعارف تشیع*، تهران، شهید سعید محبی.
- حلی، نجم‌الدین جعفرین حسن، ۱۴۰۸ق، *سرنایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام*، قم، اسماعیلیان.
- خدادادی، حسن، ۱۳۹۴، *پیش‌فرض‌های پنج‌گانه در فقه سیاسی امام خمینی*، در: basirat.ir.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزه رادفر، ۱۳۸۸، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، *دانش سیاسی*، دوره پنجم، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۵۰.
- _____، ۱۳۸۹، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، امام صادق.
- _____، ۱۳۹۳، *الگوهای صدور انقلاب*، تهران، امام صادق.
- رهبر، عباسعلی، ۱۳۹۰، «امپریالیسم الهیات سیاسی - پارادوکس مبنایی فقه سیاسی با بنای نظریه استقرایی الهیات در جمهوری اسلامی ایران».
- سوره‌اندیشه، ش ۵۷ و ۵۶، ص ۱۶۷-۱۶۹.
- رهدار، احمد، ۱۳۹۵، «راهکارهای اصدار فقهی انقلاب اسلامی»، در: www.bultannnews.com.
- عمیدزنجانی، عباسعلی و موسی ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، *بایسته‌های فقه سیاسی*، تهران، مجد.
- فلاح‌نژاد، علی، ۱۳۸۴، *سیاست صدور انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فیرحی، داوود، ۱۳۸۲، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، سمت.
- _____، ۱۳۹۲، *فقه و سیاست در ایران معاصر*، تهران، نشر نی.
- قادری، سیدعلی، ۱۳۹۲، *پیام امام به گورباچف و تأثیر آن در نظام سیال بین‌المللی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مبلغی، احمد، ۱۳۸۸، *بازاندیشی تحول فقه پس از انقلاب اسلامی*، در: jamjamonline.ir.
- محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مسعودی، محمداسحاق، ۱۳۸۴، *اصلاحات و امر به معروف و نهی از منکر*، تهران، ستاد امر به معروف و نهی از منکر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهاجری، مسیح، ۱۳۵۹، *صدور انقلاب*، تهران، حزب جمهوری اسلامی ایران.
- میراحمدی، منصور و همکاران، ۱۳۸۹، *درس گفتارهایی در فقه سیاسی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- نادری، مهدی، ۱۳۹۲، *سیمای سیاست در قرآن*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- نادریان، حسین، ۱۳۹۳، *گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی گفتمان امام خمینی*، چگونگی تکوین، در: borhan.ir.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۳۰ق، *جواهرالکلام فی شرح سرائع الاسلام*، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.